

نقد رأی دیوان عدالت اداری در خصوص ابطال تبصره ۱ بند (الف) شرایط اختصاصی دفترچه راهنمای ثبت نام و شرکت در آزمون تحصیلات تکمیلی سال ۱۳۹۵

سیدمحمد مهدی غمامی*

مصطفی زرین پور**

چکیده

دیوان عدالت اداری به موجب دادخواست شاکی، در رأی صادره راجع به عدم ابطال تبصره ۱ بند (الف) شرایط اختصاصی دفترچه راهنمای ثبت نام و شرکت در آزمون تحصیلات تکمیلی سال ۱۳۹۵، مربوط به ایجاد ممنوعیت تحصیل دوباره در یک رشته تحصیلی، موضوع را از شمول حکم آراء قبلی هیئت عمومی خارج دانسته و امکانات تحصیل رایگان را با توجه به میزان منابع و هزینه‌های تحصیلی محدود برشمرده و مستند به اصل پرهیز از نابرابری و اسراف، به مواد قانونی مصرح استناد نکرده و به اصول کلی اکتفا نموده است. رأی دیوان همچنین منطبق با اصل یکصد و شصت و ششم قانونی اساسی نیز نیست، هرچند به اصل سی‌ام استناد شده است. از سوی دیگر، دیوان تمامی شرایط پرونده مانند عدم بهره‌گیری شاکی از امکانات دولتی در تحصیل اول را مدنظر قرار نداده و با ایجاد این ممنوعیت که به نوعی مغایر با اصول بیست و دوم قانون اساسی و حاکمیت قانون است، سبب نقض حقوق شهروندی شاکی شده است. در این پژوهش نگارندگان با تکیه بر روش توصیفی-تحلیلی رأی مذکور را مورد نقد و بررسی قرار داده و از جنبه شکلی و ماهوی تحلیل و تفسیرنموده‌اند.

واژگان کلیدی: حق بر آموزش، برابری آموزش، منع تحصیل مجدد، دیوان عدالت اداری.

* عضو هیئت علمی دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران

ghamamy@isu.ac.ir

** کارشناسی ارشد حقوق عمومی دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری، تهران، ایران
mostafa.zarrinpour@gmail.com

گردشکار

مشخصات رأی

شماره دادنامه: ۱۳۰۷

تاریخ: ۱۳۹۹/۱۰/۱۳

خواسته: ابطال تبصره ۱ بند (الف) شرایط اختصاصی دفترچه راهنمای ثبت نام و شرکت در آزمون تحصیلات تکمیلی سال ۱۳۹۵
خواهان:

مرجع رسیدگی کننده: هیئت عمومی دیوان عدالت اداری

متن رأی:

شاکی به موجب دادخواستی ابطال تبصره ۱ بند (الف) شرایط اختصاصی دفترچه راهنمای ثبت نام و شرکت در آزمون تحصیلات تکمیلی سال ۱۳۹۵ را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که: اینجانب در سال ۱۳۹۱ با شرکت در آزمون کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد ملایر رشته کامپیوتر پذیرفته شده و در سال ۱۳۹۳ فارغ التحصیل شدم.

۱- با توجه به حق آموزش رایگان که مطابق قانون اساسی و سایر قوانین همه مردم ایران دارند مجدداً در آزمون کارشناسی ارشد رشته کامپیوتر (همان رشته گرایش) در آزمون سراسری سال ۱۳۹۵ شرکت و در دانشگاه سراسری اراک دوره روزانه پذیرفته شدم.

۲- اینجانب در دوره تحصیل در مقطع کارشناسی ارشد در دانشگاه اراک رتبه اول ورودی شدم (از جهت معدل نفر اول دوره شدم)

۳- با توجه به امتیاز حاصله از استعداد درخشان (کسب رتبه اول) بدون آزمون در مقطع دکتری همان دانشگاه اراک در سال ۱۳۹۷ پذیرفته شدم.

۴- در جریان تحصیل در مقطع دکتری مطابق نامه شماره ۱۱۴۴-۱۰/۱۱/۱۳۹۶ از طرف دانشگاه اراک به اینجانب اعلام شد که (با توجه به نامه شماره ۱۱۴۴/۱۰/۱۳۹۶ سازمان سنجش آموزش کشور همچنین بر اساس مفاد تبصره ۱ از بند (الف) (شرایط اختصاصی) مندرج در صفحه ۲ دفترچه راهنمای (شماره ۱) آزمون سال ۱۳۹۵، امکان صدور مدرک

تحصیلی کارشناسی ارشد شما در رشته مهندسی کامپیوتر- نرم افزار وجود ندارد. از آنجا که قبولی شما در مقطع دکتری از طریق گروه جذب و هدایت استعدادهای درخشان انجام پذیرفته است خواهشمند است جهت تعیین تکلیف ثبت نام در این مقطع به آن گروه مراجعه فرمایید.

۵- پس از مراجعه اینجانب به دانشگاه اراک و سازمان سنجش آموزش کشور متوجه شدم که به علت اینکه اینجانب یکبار در مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد ملایر در همان رشته‌ای که در مقطع کارشناسی ارشد، دانشگاه اراک تحصیل نموده‌ام، تحصیل کرده‌ام به استناد تبصره ۱ بند (الف) شرایط اختصاصی دفترچه راهنمای شماره ۱ آزمون تحصیلات تکمیلی سال ۱۳۹۵، سازمان سنجش با تحصیل مجدد اینجانب در همان رشته گرایش و در همان مقطع تحصیلی در دانشگاه دولتی مخالفت نموده است و با توجه به این که بنابر نظر سازمان سنجش تحصیل اینجانب در مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه اراک قانونی نبود، لذا نمی‌توانم از امتیازات آن (دانشجوی استعداد درخشان) بهره‌مند شوم. حال اینجانب به شرح ذیل تقاضای ابطال تبصره ۱ بند (الف) شرایط اختصاصی دفترچه شماره ۱ آزمون تحصیلات تکمیلی سال ۱۳۹۵ را دارم:

(الف) مطابق با اصل ۳۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران قانون تأمین وسایل و امکانات تحصیلات اطفال و جوانان ایرانی مصوب در مجلس شورای ملی و اصلاحات بعدی و سایر قوانین مربوطه هر فرد ایرانی حق دارد از آموزش رایگان برخوردار باشد.

(ب) حتی مطابق با رأی شماره ۱۱۴۴-۹۶/۱۱/۱۰ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری حتی تحصیل در یک مقطع تحصیلی و در رشته گرایش‌های مختلف نیز رایگان می‌باشد به عبارتی یک فرد می‌تواند در چند رشته تحصیلی به صورت رایگان تحصیل نماید.

(ج) مطابق با رأی شماره ۱۱۴۴-۹۶/۱۰/۱۰ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری تبصره ۱ بند (الف) شرایط اختصاصی دفترچه راهنمای تحصیلات تکمیلی سال ۱۳۹۶ که عیناً مطابق با بند مشابه دفترچه راهنمای تحصیلات تکمیلی سال ۱۳۹۵ می‌باشد باطل شده است.

د) مطابق ماده ۷ لایحه قانونی اصلاح مواد ۷ و ۸ قانون تأمین وسایل و امکانات تحصیل اطفال و جوانان ایرانی مصوب سال ۱۳۹۵، تحصیل در دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی داخل کشور به صورت رایگان و در قبال تعهد خدمت برابر مدتی که از تحصیل ایشان استفاده کرده‌اند مورد حکم مقنن قرار گرفته است. در نتیجه تبصره ۱ بند (الف) شرایط اختصاصی دفترچه شماره ۱ آزمون تحصیلات تکمیلی سال ۱۳۹۵ صراحتاً مخالف حقوق مکتسبه اینجانب مطابق قانون اساسی و سایر قوانین مرتبط می باشد، لذا تقاضای ابطال مصوبه فوق و رفع اثر از آن را دارم.

متن مقررہ مورد شکایت به شرح زیر است:

"دفترچه راهنمای ثبت نام و شرکت در آزمون تحصیلات تکمیلی سال ۱۳۹۵ الف"

شرایط اختصاصی:

تبصره - شرکت مجدد فارغ‌التحصیلان دوره‌های کارشناسی ارشد و یا دکتری در همان رشته قبلی و همچنین شرکت دانشجویان دوره کارشناسی ارشد و یا دوره دکتری ممنوع می‌باشد و این داوطلبان حق ثبت نام و شرکت در آزمون را ندارند. لذا فارغ‌التحصیلان با توجه به ضوابط مندرج در این دفترچه به جز در رشته‌هایی که فارغ‌التحصیل شده‌اند در صورتی که از لحاظ نظام وظیفه مشکلی نداشته باشند می‌توانند در یکی از رشته‌های مندرج در دفترچه راهنمای آزمون شرکت کنند.

در پاسخ به شکایت مذکور، مدیرکل دفتر ریاست، روابط عمومی و امور بین‌المللی سازمان سنجش آموزش کشور به موجب لایحه شماره ۵۰۳۹۳-۱۳۹۸/۸/۱۹ توضیح داده است که:

"احتراماً بازگشت به پرونده شماره ۹۸۰۲۲۹۰-۱۳۹۸/۷/۶ در خصوص شکایت خانم ... به طرفیت این سازمان با عنوان «ابطال تبصره ۱ بند (الف) شرایط اختصاصی دفترچه راهنمای شماره ۱ آزمون تحصیلات تکمیلی سال ۱۳۹۵» به استحضار می‌رساند سازمان سنجش آموزش کشور به عنوان یک دستگاه دولتی صرفاً متولی برگزاری آزمون‌های سراسری ورود به دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی در مقاطع مختلف بوده و تدوین شرایط و ضوابط آزمون بر عهده وزارت علوم، تحقیقات و فناوری،

شورای سنجش و پذیرش دانشجو و سایر مراجع قانونی است. موضوع خواسته و شکایت شاکی ارتباطی به سازمان متبوع ندارد. لذا موضوع عیناً طی نامه شماره ۶۱۴۶۶ - ۱۳۹۸/۸/۱۴ به معاونت آموزشی وزارت متبوع ارسال شده است. شایان ذکر است موضوع خواسته شاکی از سوی سایر داوطلبان نیز به این سازمان گزارش شده است و این سازمان در راستای پاسخگویی و ارائه خدمات به داوطلبان طی نامه شماره ۲۶۷ - ۱۳۹۷/۱/۷ تقاضاهای واصله را به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری ارسال نموده است که تاکنون مجوزی مبنی بر تحصیل مجدد داوطلبان در رشته‌ای که سابقاً در آن رشته فارغ‌التحصیل شده‌اند صادر نشده است. علی‌هذا با عنایت به مراتب مذکور هرچند موضوع خواسته و شکایت ارتباطی به این سازمان ندارد و از صلاحیت ذاتی‌اش خارج است ولیکن در صورت صدور چنین اجازه‌ای سطح علوم دانشجویان بسیار متفاوت خواهد بود. به عنوان مثال فردی که دارای لیسانس حقوق است مجدداً دانشجوی رشته حقوق در دوره لیسانس باشد. قطعاً اطلاعات علمی این دانشجو نسبت به سایر دانشجویان بالاتر است و مشکلاتی را در امر تحصیل و رقابت بین دانشجویان ایجاد خواهد کرد، لذا صدور قرار رد شکایت مورد استدعاست.

هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳/۱۰/۱۳۹۹ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آرا به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیأت عمومی

«موضوع از شمول حکم آراء قبلی هیئت عمومی خارج است. زیرا در آن آراء، ممنوعیت تحصیل در همان مقطع مغایر قانون تشخیص داده شده بود. حال آن‌که در مصوبه مورد شکایت ممنوعیت تحصیل در همان رشته، مطرح است. با توجه به مراتب، نظر به این‌که امکانات تحصیل رایگان با توجه به میزان منابع و هزینه‌های تحصیلی محدود است که بر اساس اصول ۲۸، ۲۹ و ۲۹ قانون اساسی بایستی به نحو عادلانه در بین افراد داوطلب تقسیم و توزیع گردد و اصل سی‌ام نیز مشعر به همین معنی در لحاظ و رعایت عدالت اجتماعی در توزیع منابع است، بنابراین این‌که مرجع صدور مصوبه امکان تحصیل در یک رشته را به یک‌بار محدود کرده است موافق با مقررات و اصل پرهیز از نابرابری و اسراف منابع است و مغایرتی با قانون ندارد و خارج از حدود اختیار نیست، بنابراین مقرره مورد اعتراض ابطال نشد.»

مقدمه

طبق اصل یکصد و هفتاد و سوم قانون اساسی، به منظور رسیدگی به شکایات، تظلمات و اعتراضات مردم نسبت به مأمورین یا واحدها یا آیین‌نامه‌های دولتی و احقاق حقوق آن‌ها، دیوانی به نام «دیوان عدالت اداری» زیر نظر رئیس قوه قضائیه شکل گرفته و این نهاد موظف به صیانت از حقوق آحاد مردم در مقابل اقدامات و تصمیمات دولتی است.

مقرراتی که برای تحصیل شهروندان ایرانی و غیرایرانی در دانشگاه‌ها تدوین شده است در راستای مقرراتی است که برگرفته از اصول قانون اساسی و احکام اسلامی در تحصیل و کسب علم است.

مقرراتی که به نظر می‌رسد به دلایل اقتصادی، فرهنگی و تغییرات اجتماعی گسترده در سال‌های اخیر دچار تغییرات و البته چالش‌های فراوانی شده که تقریباً این چالش‌ها بدون راه‌حل مانده و در نهایت شکایت‌ها برای ابطال این مصوبه‌ها و قوانین به اوج خود رسیده است. از سوی دیگر، به جهت ارتباط این مصوبه‌ها با بخش بزرگ و البته مهمی از زندگی مردم جامعه، می‌توان گفت که موضوع رسیدگی به اعتراض و شکایت‌ها در این خصوص نمی‌تواند بازتاب گسترده نداشته باشد و مسلماً به گسترش انتقادات به دیوان عدالت اداری از سوی شاکیان و سازمان‌های مربوطه خواهد افزود.

در این مقاله تلاش داریم به یکی از آرای که دیوان عدالت اداری در این خصوص صادر کرده است بپردازیم و مورد نقد و تحلیل قرار دهیم. مطابق با رأی نوشته‌شده در فوق دیوان عدالت اداری یکی از محدودیت‌های تحصیلی سازمان سنجش را تأیید کرده است. در این پژوهش نگارندگان با تکیه بر روش توصیفی-تحلیلی رأی مذکور را مورد نقد و بررسی قرار داده و از جنبه شکلی و ماهوی تحلیل و تفسیر نموده‌اند و به این سوال پاسخ داده‌اند که آیا رأی مذکور با ایجاد این ممنوعیت که به نوعی مغایر با اصول بیست و دوم قانون اساسی و حاکمیت قانون است، سبب نقض حقوق شهروندی شاکی شده است و یا از سوی دیگر، مؤید حق برابری میان افراد جامعه در کسب علم و امتیازات علمی است؟ در بخش‌های بعدی به نقد شکلی و ماهوی رأی مربوطه خواهیم پرداخت، نقاط ضعف و قوت رأی را بررسی خواهیم کرد و در نهایت بعد از نتیجه‌گیری کلی، پیشنهادهای ارائه خواهیم کرد.

۱. نقد شکلی رأی

رأی دیوان از جهت صلاحیت این مرجع در رسیدگی به شکایت مطروحه و سایر موارد در این حیظه مورد بررسی قرار خواهد گرفت و نقاط قوت و ضعف رأی مذکور بیان خواهد شد.

۱.۱. صلاحیت دیوان در رسیدگی به رأی

صلاحیت و حدود اختیارات دیوان عدالت اداری به موجب ماده ۱۰ قانون دیوان عدالت اداری صلاحیت و حدود اختیارات شعب دیوان مشخص شده است که در وهله اول به نظر می‌رسد کاملاً منطبق با متن این ماده می‌توان رأی صادره را از جهت صلاحیت دیوان واجد وصف قانونی دانست.

شکایت علیه تصمیمات اداره و مقامات اداری در شعب دیوان رسیدگی می‌گردد و حال این‌که شکایت علیه مصوبات دستگاه‌های اجرایی در صلاحیت هیئت عمومی دیوان عدالت اداری است. لذا نظر به این‌که شکایت شاکی به نوعی شکایت نسبت به یک مصوبه (بخش‌نامه، دستورالعمل و ...) است و از آن‌جا که این موضوع جنبه نوعی دارد، در حوزه صلاحیت هیئت عمومی دیوان عدالت اداری قرار می‌گیرد.

این‌که چرا قانون‌گذار ابطال مقررات، این بدیع‌ترین و مؤثرترین صلاحیت پیش‌بینی‌شده برای دیوان عدالت اداری را به هیئتی متشکل از قضات دیوان واگذار کرده است، معلوم نیست. شاید قصد قانون‌گذار این است که مقررات دولتی به واسطه این‌که شامل احکام عام‌الشمول و فراگیر هستند از یک اقدام و تصمیم دولتی مربوط به یک واقعه یا شخص خاص اهمیت بیشتری دارند، لذا برای بررسی و ابطال آن‌ها نه یک شعبه، بلکه هیئتی متشکل از قضات دیوان لازم است. یا شاید فرض قانون‌گذار بر این بوده است که از آن‌جا که مقررات دولتی معمولاً توسط نهادهای جمعی وضع و تصویب می‌شود، ابطال آن‌ها نیز توسط یک نهاد جمعی مانند هیئت عمومی دیوان عدالت اداری از وجهه و مشروعیت بیشتری می‌تواند برخوردار باشد (آقایی طوق: ۱۳۹۶، ۹).

۲.۱. شیوه رسیدگی

پرونده‌هایی که مطابق قانون دیوان عدالت اداری، در صلاحیت هیئت عمومی دیوان است، به استناد ماده ۸۴ این قانون، ابتدا به هیئت‌های تخصصی مرکب از حداقل ۱۵

نفر از قضات دیوان ارجاع می‌شود و در صورتی که نظر اکثریت مطلق هیئت‌های مزبور، بر قبول شکایت و ابطال مصوبه باشد، پرونده به همراه نظریه هیئت برای اتخاذ تصمیم به هیئت عمومی ارسال می‌شود و در موارد احرار تعارض یا تشابه آرا با گزارش هیئت تخصصی مربوط، جهت طرح در صحن علنی هیئت عمومی به این مرجع ارجاع می‌شود که این هیئت حسب مورد، به صدور آراء ابطالی، وحدت‌رویه و ایجاد رویه مبادرت می‌کند. همچنین در مواردی که هیئت‌های تخصصی رأی به رد شکایت یا ابطال مصوبات صادر کنند، پرونده مختومه می‌شود و صرفاً به استناد بند ب ماده ۸۴ قانون یادشده، پس از ۲۰ روز از تاریخ صدور رأی و با اعتراض ۱۰ نفر از سوی رییس دیوان یا ۱۰ نفر از قضات دیوان قابل رسیدگی مجدد خواهد بود.

۲. نقدهای ماهوی

در ماهیت رأی صادره نیز از سه جهت می‌توان بررسی لازم را انجام داد و نقدها و البته نقاط قوت را ذکر کرد. در ابتدای متن رأی اشاره به این موضوع شده است که آراء سابق دیوان مبتنی بر موضوعی متفاوت از مسئله حاضر صادر شده است و بنابراین نمی‌تواند مبنایی برای اثبات خواسته‌ای باشد که به نظر می‌رسد کاملاً منطقی است چرا که در آراء قبلی دیوان به ابطال ممنوعیت تحصیل در بیش از یک رشته اشاره کرده بود که ارتباطی با تحصیل دوباره در یک رشته ندارد. اما در متن رأی با سه اشکال مواجه هستیم که به آن خواهیم پرداخت:

اول نادیده گرفتن اصول بیست و دوم قانون اساسی و حاکمیت قانون و مغایرت تبصره ۱ بند (الف) شرایط اختصاصی دفترچه راهنمای ثبت نام و شرکت در آزمون تحصیلات تکمیلی سال ۱۳۹۵ با اصول مذکور است. طبق اصل بیست و دوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند. از منطوق و مفهوم اصل بیست و دوم چنین برمی‌آید که تعرض به حقوق حقه شهروندان با هر توجیهی و جاهت ندارد. البته این اصل مطلق نیست و مقید به قسمت اخیر آن یعنی تجویز قانون است. اصل حاکمیت قانون در هیچ شرایطی نباید مورد اغماض حاکمان قرار گیرد. به عبارت دیگر گفتمان قانون باید عادلانه و در جهت تأمین منافع مردم باشد (نقره‌کار: ۱، ۱۳۹۱). از این رو می‌توان گفت، تبصره ۱ بند (الف) شرایط اختصاصی دفترچه راهنمای ثبت نام و

شرکت در آزمون تحصیلات تکمیلی سال ۱۳۹۵، بدون تجویز قانون‌گذار محدودیتی را وضع کرده که با اصول یادشده مغایرت دارد و در جهت تأمین منافع آحاد مردم نبوده و متعرض به حقوق حقه آنان است.

دوم این که در متن رأی بیان شده است که «... اصل سی‌ام نیز مشعر به همین معنی در لحاظ و رعایت عدالت اجتماعی در توزیع منابع است...» در این خصوص شورای نگهبان دو نظریه تفسیری را

بیان داشته است که در هیچ‌کدام اشاره‌ای به این مسئله نشده است که می‌توان در استفاده از منابع آموزشی در تحصیلات عالی محدودیت قائل شد و از منطوق اصل سی‌ام نیز این موضوع متصور نیست.

اصل سی‌ام بر اصل رایگان بودن آموزش تصریح دارد و بیان می‌دارد که دولت موظف است وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و وسایل تحصیلات عالی را تا سر حد خودکفایی کشور به طور رایگان گسترش دهد. در خصوص مولفه‌های حق آموزش در این اصل می‌توان به رایگان بودن، همگانی بودن، اجباری بودن و به عدم تبعیض در میان اتباع کشور اشاره کرد (مرندی و قربانی: ۱۴۰۰، ۳۱۷).

آن‌چه برای بیان در این مبحث ضروری به نظر می‌رسد این است که فلسفه تصویب اصل سی‌ام چه می‌تواند باشد و مجلس خبرگان قانون اساسی در پشت تصویب این اصل، چه هدفی مدنظر داشته است. با مطالعه سطحی مشروح مذاکرات می‌توان این را دریافت که اولویت اول و هدف اصلی از تصویب چنین اصلی، برقراری عدالت است. اگر عدالت را هم از مشروح مذاکرات دریافت نکنیم، به صورت قطعی، حق بودن آموزش و پرورش را از ظاهر اصل می‌توان دریافت. اصل سی‌ام قانون اساسی و بعضی اصول مشابه آن، مسیر سیاست کلی نظام را تعیین می‌نماید و مقصود این است که دولت امکاناتی را که در اختیار دارد، در کل رشته‌هایی که در قانون اساسی پیشنهاد شده، به طور متعادل طبق قانون توزیع نماید. بنابراین آموزش رایگان، در حد امکان، کلاً یا بعضاً باید فراهم شود و با عدم امکانات کلی، دولت با رعایت اولویت‌ها مثل ترجیح مستضعفان و مستعدان بر دیگران اقدام می‌نماید (عالی: ۱۳۹۹، ۷۷۲).

به کار بردن عبارت «برای همه» در بند سه اصل سوم و «برای همه ملت» در اصل سی‌ام، تفکر همگان را به این سمت سوق می‌دهد که قانون اساسی به حق آموزش

برای کلیه شهروندان کشور اعتقاد دارد و تبعیض در بین شهروندان کشور را قبول ندارد. با این که اشخاص نیز هر کدام برابر استعدادها و لیاقت‌های خود به شکل‌های مختلفی از این موقعیت بهره می‌گیرند (مه‌رپور: ۱۳۹۱، ۷۱ تا ۷۴).

برخی بر این عقیده‌اند که حق بر آموزش برای نوع بشر است نه بشر منسوب به یک محدوده جغرافیایی. لذا از جمله حقوق بشری هست نه حقوق شهروندی و در قانون اساسی بدون هیچ قیدی با اطلاق عبارت «برای همه» در اصل سوم به رسمیت شناخته شده است. از جمله آثاری که این نظر خواهد داشت آن است که اعمال محدودیت بر آن بسیار دشوارتر از اعمال محدودیت در یک حق شهروندی است و دولت در تخصیص حق بر آموزش نسبت به همه افراد ملت به طور مطلق مکلف است (خانی ولیزاده و لطفی: ۱۳۹۶، ۲۲-۳۹). آموزش عالی نقش اساسی در پیشبرد اهداف علمی هر کشور دارد و نقش اساسی در رشد و توسعه جامعه در ابعاد مختلف فناوری، علمی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی ایفا می‌کند (ابطحی و ترابیان: ۱۳۸۹، ۳۲).

با توجه به موضوع رأی که عدم ابطال ایجاد محدودیت در تحصیل است می‌توان گفت که استناد به اصل سی‌ام قانون اساسی نمی‌تواند به هیچ‌وجه، توجیه‌کننده رأی مذکور باشد بلکه حتی می‌تواند در جهت تقویت خواسته مورد ادعا مورد استناد قرار بگیرد. در اصل مذکور اشاره به ایجاد سازوکارهای آموزش رایگان شده است و این در حالی است که در رأی صادره از دیوان عدالت اداری، محدودیت ایجادشده برای تحصیل مور پذیرش قرار گرفته است.

شاکي در متن دادخواست خود به نکته‌ای اشاره کرده که گویا از دید هیئت عمومی دیوان مغفول مانده و آن این‌که شاکي تحصیل مرتبه اول خود را در دانشگاه آزاد اسلامی طی نموده است و این دانشگاه از امکانات و بودجه دولتی استفاده‌ای نمی‌برد و متکی به دریافت شهریه از دانشجویان است. در نتیجه آن قسمت از اصل سی‌ام قانون اساسی شامل شاکي این پرونده است زیرا او از امکان آموزش عالی رایگان در مقطع کارشناسی، رشته تحصیلی مهندسی کامپیوتر یکبار بهره برده که این از حقوق حقه هر شهروند مستعد و متقاضی تحصیلات عالی در ایران می‌باشد.

سوم این که برخورداری افراد جامعه از حقوق برابر در راستای استفاده از خدمات عمومی دغدغه‌ای است که مدتی توجه محققان را به خود معطوف کرده است،

همچنان که در ماده ۱۰۴ منشور حقوق شهروندی نیز آمده است: «شهروندان از حق آموزش برخوردارند. آموزش ابتدایی، اجباری و رایگان است. دولت زمینه دسترسی به آموزش رایگان تا پایان دوره متوسطه را فراهم می‌سازد و وسایل تحصیلات عالی را تا سرحد نیاز و ضرورت کشور به طور رایگان گسترش می‌دهد». آن چه در این خصوص اهمیت دارد این است که تا چه میزان باید برابری حاصل شود تا مطلوب جامعه واقع شود. مسلماً برابری در یک تعریف مضیق، ناقص و معیوب می‌شود و تعریف موسع از آن لازم است تا ابعاد مختلف را در این حوزه دربرگیرد. در کشور ما دیوان عدالت اداری به عنوان رکن صالح رسیدگی به دعاوی مربوط به مباحث اداری و عمومی (در زمینه‌های حقوق بشری و خدمات عمومی) در موضوعات مختلف مانند استخدام، تأمین اجتماعی، سهمیه‌های آموزشی، تبعیض مذهبی دیدگاه‌های خود را اعلام داشته است (گرچی و مرادی: ۱۳۹۶، ۲۵).

حق بر آموزش تنها پوشش‌دهنده و مجرای تعیین حقوق معنوی نیست، بلکه این حق مبنای دستیابی به بسیاری از حقوق مادی نیز محسوب می‌شود که در مجموع به ارتقاء سطح زندگی در طول حیات فرد در جامعه کمک می‌کند. (گرچی و مرادی، پیشین، ۳۰)

بنا به دلایلی که ذیلاً به آن اشاره می‌شود می‌توان گفت که رأی دیوان مبتنی بر این استدلال که اصل برابری و عدم اسراف موجب عدم ابطال مصوبه سازمان سنجش می‌شود، قابل ایراد است:

۱. برابری در آموزش به معنی ایجاد امکاناتی یکسان برای طالبان علم و دانش است و به دور از تبعیض، در این خصوص باید اشاره کرد که تحصیل دوباره یک شخص در یک رشته تحصیلی مشابه، نمی‌تواند مصداق نقض برابری باشد چراکه او با صرف وقت و تلاش خود در مسیر کسب علم قدم برداشته است و از سوی دیگر امتیاز خاصی به این جهت به او اعطا نشده که سایرین از این امتیاز محروم شده باشند.

مفهوم برابری فرصت‌های آموزشی این است که افرادی که استعداد یکسان دارند در نظام آموزشی امکان مساوی برای رشد و موفقیت داشته باشند. بنابراین مفهوم برابری فرصت‌های آموزشی، با داشتن آموزشی با کیفیت مطلوب و مناسب معادل است و این فرصت را برای همگان فراهم می‌کند تا به دور از هرگونه فشار و محدودیت مالی،

اجتماعی، سیاسی یا فرهنگی، خود را برای مشارکت فعال و همه‌جانبه آماده سازند (روشن: ۱۳۹۱، ۹).

۲. با توجه به این‌که تحصیل قبلی شاکی در رشته کامپیوتر دانشگاه آزاد صورت گرفته است در نتیجه باید گفت که این شخص را نمی‌توان مسرف دانست چراکه با استفاده از هزینه و امکانات شخصی تحصیل کرده و در دوره دوم بوده است که از امکانات دولتی بهره برده است.

۳. محرومیت اشخاص از تحصیل دوباره در یک رشته مبتنی بر اصل برابری و اسراف، مستند به ماده قانونی صریحی نشده است و با توجه به اصل اباحه، می‌توان این عمل را صحیح دانست. به عبارت دیگر مصوبه سازمان سنجش در این خصوص چندان مستدل نیست ولی دیوان آن را با نقص در استدلال پذیرفته است که جای اشکال دارد.

۴. تمایل به آموزش به طور اعم و آموزش عالی به طور اخص، نهضتی جهانی است که حد و مرز نمی‌شناسد. به موجب ماده بیست اعلامیه حقوق بشر، حق آموزش برای عموم مردم صرف‌نظر از جنس، رنگ، نژاد و مذهب به رسمیت شناخته شده است. در همه کشورهای جهان قوانین اساسی و برنامه‌ها و مرام نامه‌های احزاب سیاسی، اعمال چنین حقی را تأیید و محدودیت آن را محکوم می‌کنند. بنابراین هرگونه تعبیر و تفسیر این حق که در اغلب مکاتب فلسفی و فرهنگی دارای مفهوم واحدی است بیهوده به نظر می‌رسد. شعار «آموزش برای همه» نخستین و مهم‌ترین هدف سیاست‌تعلیماتی هر کشور است. بدیهی است مفهوم آموزش برای همه این نیست که کلیه افراد باید تحصیلات دانشگاهی داشته باشند بلکه هدف، ایجاد این حق برای افرادی است که تمایل و استعداد آموزش را دارا هستند و نیز هدایت انگیزه‌ها و علاقه آنان به سوی نیازمندی‌های اجتماعی و اقتصادی جامعه را دربردارد.

نتیجه‌گیری

رأی صادره از دیوان عدالت اداری در خصوص عدم ابطال تبصره ۱ بند (الف) شرایط اختصاصی دفترچه راهنمای ثبت‌نام و شرکت در آزمون تحصیلات تکمیلی سال ۱۳۹۵ گرچه منطبق با صلاحیت ذاتی دیوان صادر شده است ولی به نظر می‌رسد که

در این موارد کلی که ممکن است موجب تضییع حقوق اشخاص زیادی شود، لازم است به صورت خاص مورد بررسی و تحلیل قرار بگیرد و از مشاوران خبره بهره گرفته شود و رأی نیز منطبق بر همین نظرات کارشناسی صادر شود.

رأی صادره از جهت ماهوی دارای سه ایراد اساسی است: اول: نادیده گرفتن اصول بیست و دوم قانون اساسی و حاکمیت قانون و مغایرت داشتن آن اصول با تبصره ۱ بند (الف) شرایط اختصاصی دفترچه راهنمای ثبت نام و شرکت در آزمون تحصیلات تکمیلی سال ۱۳۹۵، دوم: استناد به اصل سی ام قانون اساسی در توجیه رأی دیوان مبهم است چراکه موضوع اصل مذکور به گونه ای در تضاد با رأی دیوان و ابقاء مصوبه است. بدین توضیح که اصل مذکور تأکید بر فراهم کردن امکانات آموزشی دولتی و رایگان دارد و رأی صادره، بر ابقاء مصوبه ای تأکید دارد که در راستای ایجاد محدودیت در این زمینه گام برداشته است.

و در انتهای رأی صادره نیز بر اصل پرهیز از نابرابری و اسراف تأکید شده؛ برابری آموزشی تعریف خاصی دارد و معیارهای مرتبط با آن نیز به طور ویژه باید مشخص گردد. تبعیض مثبت که منطبق با این مصوبه است را نمی توان با استدلال دیوان مطابقت داد. مضافاً بر این که شاکی در این مورد به خصوص، در یکی از مواردی که در رشته مشابه تحصیل کرده است، از امکانات دولتی بهره نگرفته و با هزینه شخصی اقدام به این موضوع نموده است. پیشنهاد می شود دیوان عدالت اداری در صدور آراء خود مستقیماً به مواد قانونی که توجیه کننده رأی صادره هستند استناد نماید و از استناد به اصول کلی در این زمینه که ابهام برانگیز است اجتناب نماید.

منابع

- ابطحی، سیدحسین و ترابیان، محسن (۱۳۸۹)، بررسی تحقق اهداف آموزش عالی بر اساس سند چشم‌انداز بیست‌ساله کشور با روش فرایند تحلیل سلسله مراتبی، **فصلنامه پژوهش در نظام های آموزشی**، شماره ۸.
- عالی حامد (۱۳۹۹)، مفهوم‌شناسی، مبانی و موارد نقض آموزش و پرورش رایگان در ایران، **همایش مطالعات مدیریت، حسابداری و حقوق**، دوره سوم.
- احمدی‌فر، نوری، رسول علی (۱۳۹۸)، اصول مرتبط با حقوق اساسی دانش‌آموز در نظام حقوقی ایران، **تعلیم و تربیت**، دوره ۳۵، شماره ۱۴۰.
- آقای‌یطوق، مسلم (۱۳۹۶)، نگاه تطبیقی به صلاحیت هیئت عمومی دیوان عدالت اداری نسبت به ابطال مقررات، **دوفصلنامه دیدگاه های حقوق قضایی**، شماره ۷۹ و ۸۰، پاییز و زمستان ۹۶.
- مرنندی، الهه، قربانی، اعظم (۱۴۰۰)، مبانی و سازوکارهای حمایتی حق آموزش در **قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و اسناد حقوق بشری**، **فصلنامه علمی مطالعات حقوق بشر اسلامی**، شماره ۱.
- خانی ولی زاده سعید، لطفی امیرعلی (۱۳۹۶)، بررسی حق بر آموزش در حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، **دوفصلنامه حقوق اساسی**، سال چهاردهم.